مطالعات تاریخ اسلام
سال سیزدهم/ شمارهٔ ۵۰/ پاییز ۱۴۰۰، مقاله علمی- پژوهشی، صفحات۷-۳۴

:20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9

تأملی بر کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای محمدعلی فروغی در درس تاریخ در مدرسهٔ علوم سیاسی (مطالعهٔ موردی: کتاب دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم (تاریخ ایران))

امید اخوی[۱]
محمدمهدی مرادی خلج[۲]

چکیده: مدرسهٔ علوم سیاسی به عنوان نهاد آموزشی تأسیس‌شده در دورهٔ قاجار، باعث شروع آموزش و تربیت افراد در رشتهٔ سیاسی شد و هدف آن، پرورش کادری مجرب برای وزارت خارجه بود. محمدعلی فروغی یکی از اولین معلمان و مؤلفان کتاب درسی تاریخ این مدرسه بود. نگارندگان پژوهش پیشِ رو با بررسی کتاب‌های درسی تاریخ و کتاب *دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم* محمدعلی فروغی در این مدرسه، با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ برای این پرسش بوده‌اند که ویژگی محتوایی کتاب *تاریخ ایران* برای آموزش در مدرسهٔ علوم سیاسی چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این کتاب در زمان خود توانست تاریخ ایران را به صورت مدوّن به محصلان مدرسهٔ سیاسی آموزش دهد و نگاهی نو از تاریخ‌نویسی درسی را ارائه کند تا در سال‌های بعد به مثابه الگویی برای نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ باشد.

واژه‌های کلیدی: قاجار، مدرسهٔ علوم سیاسی، وزارت خارجه، تاریخ، آموزش

۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز omid.akhavi@yahoo.com
۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز (نویسندهٔ مسئول) mm-mkhalaj@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۸ تاریخ تأیید: ۹۹/۱۱/۲۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 13, No 50 , Autumn 2021
Reserch Center For Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 7-34

A Survey of History Textbooks at the School of Political Sciences, Written and Translated by Mohammad Ali Foroughi

Case Study: the Book "Primary Era of the World History" (History of Iran)"

Omid Akhavi[1]
Mohammad Mehdi Moradi Khalaj[2]

Abstract: The foundation of the School of Political Sciences as an educational institution at the Mozaffar ad-Din Shah Qajar's era was a starting point for educating and training politicians. The school was planned to train experienced people for the ministry of foreign affairs. Mohammad Ali Foroughi was one of the first teachers and writers of history textbooks at this school. Using a descriptive-analytical method and by survey of Foroughi's history textbooks and the book "Primary Era of the World History (History of Iran)", the present study seeks to answer what were the features of this book that was taught at the School of Political Sciences. The findings of this study suggest that this book could teach the history of Iran to the students of the School of Political Sciences in a disciplined way, and created a new approach towards writing history, as it became a model for the next writers of history textbooks.

Keywords: Qajar, School of Political Sciences, ministry of foreign affairs, history, education.

1 PhD Student of History, Shiraz University omid.akhavi@yahoo.com
2 Associate Professor of History, Shiraz University (corresponding Author) mm-mkhalaj@yahoo.com
Received: 2021/01/7 Accepted: 2021/02/8

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

مقدمه

نزدیک به پنجاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، بسیاری از اندیشمندان و سیاستمداران ایرانی را متوجه این مسئله کرد که ایران از تمدن اروپا، به‌خصوص در زمینه‌های علوم و فنون و صنایع جدید به کلی عقب مانده است. یکی از علل این عقب‌ماندگی ضعف ساختار وزارت خارجه بود؛ به همین منظور برای تربیت کادر متخصص در زمینهٔ علوم سیاسی، نخستین مؤسسهٔ آموزش عالی، دیپلماسی و حقوق بین‌الملل در ایران با عنوان «مدرسهٔ علوم سیاسی» به همت برخی از رجال تأسیس شد. هدف مؤسسان این مدرسه آن بود که به آموزش علم سیاست و دیپلماسی به روشی کاملاً نوین بپردازند تا در پرتو آن آموزش نیروهای انسانی لازم برای ایجاد ارتباط مفید با کشورهای دیگر فراهم آید. یکی از آموزش‌هایی که در این مدرسه ارائه می‌شد، درس تاریخ بود که محمدعلی فروغی آن را آموزش می‌داد. فروغی برای آموزش این درس کتابی به نام *تاریخ ایران* تألیف کرد. در تبیین و تحلیل ویژگی‌های محتوایی کتاب تاریخ ایران و دیگر ترجمه‌ها و آثار محمدعلی فروغی در مدرسهٔ علوم سیاسی، تاکنون بررسی جامعی صورت نگرفته است. تنها در چندین مقاله و کتاب، از جمله کتاب *ریشه‌های تجدد* چنگیز پهلوان، کتاب *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران* اثر مقصود فراستخواه و *کتاب تداوم تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار* اثر عباس قدیمی قیداری، به صورت کوتاه به عناوین درسی این مدرسه پرداخته شده است. در مقاله‌هایی از منصور صفت‌گل، حوریه سعیدی، محمدرضا عسکرانی نیز اشاراتی به بعضی از کتب درسی تاریخ در مدرسهٔ علوم سیاسی شده، اما به صورت بررسی محتوایی به کتب درسی تاریخ تألیف و ترجمهٔ فروغی مدرسهٔ سیاسی پرداخته نشده است. علاوه بر این، در نوشته‌ای از داریوش رحمانیان کلیت تاریخ‌نگاری فروغی بررسی شده و در دو مقالهٔ ارزشمند از جمشید کیان‌فر با نام‌های «تا نگرید طفل کی نوشد لبن» و «نهضت ترجمه و دارالفنون» به کتاب‌های درسی و ترجمه شده در مدرسهٔ علوم سیاسی اشاراتی شده، اما به نقش محمدعلی فروغی در تألیف کتب درسی تاریخ برای مدرسهٔ علوم سیاسی به‌طور کامل پرداخته نشده است. در پژوهش پیش رو به معرفی کتاب‌های درسی تاریخ تألیف و ترجمهٔ محمدعلی فروغی در مدرسهٔ علوم سیاسی با تکیه بر کتاب *دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم (تاریخ*

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

ایران) وی پرداخته شده است. کوشش شده است تأملی در محتوای این کتاب ارائه شود و نقش این کتاب به عنوان الگویی برای نوشتن کتاب‌های درسی تاریخ در سال‌های بعد تعیین شود.

تأسیس مدرسهٔ علوم سیاسی (درس تاریخ و معلمان آن)

به دنبال شکست ایران از روسیه که به انعقاد دو معاهدهٔ گلستان و ترکمانچای منجر شد، دولتمردان ایرانی به ضعف در امر دیپلماسی بیشتر آگاه شدند. دست‌اندرکاران سیاست برای رفع این کاستی به فکر ترویج علم و صنعت و تعلیم و تربیت نسل جدید برای أخذ تمدن اروپا افتادند. اولین راه حل این مسئله از نظر سیاست‌مداران آن روز، اعزام محصل به خارج از کشور بود.

اعزام دانشجو از دورهٔ فتحعلی‌شاه آغاز شد. نخستین بار دو نفر به نام‌های کاظم پسر نقاش‌باشی شاهزاده عباس‌میرزا و میرزا حاجی‌بابا در سال ۱۲۲۶ق/۱۸۱۱م. به همراهی سر هارفورد جونز عازم انگلستان شدند. در ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۲۳۰/ ۱۸۱۵م. پنج نفر دیگر از تبریز حرکت کردند و در ۲۹ شوال همان سال وارد خاک بریتانیا شدند (مرادی خلج، ۱۳۸۹: ۴۶). احساس نیاز به ایجاد ارتباط مستمر با کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی نیز حاصل دیگر شکست ایران از روس بود.

گفتنی است اروپاییان زودتر از ایرانیان به ایجاد نمایندگی و کنسولگری در ایران اقدام کردند، ولی به هر حال زمامداران ایرانی نیز به دنبال تأسیس نمایندگی در سایر مناطق دنیا بودند. در این زمان سیاست‌مدارانی که در ایران بودند، با آداب و رسوم مملکت و دربار خود آشنایی داشتند، ولی از مقررات و اصول معمول در کشورهای اروپایی اطلاعی نداشتند و این مسئله‌ای بود که به نوبهٔ خود باعث ضربه دیدن جامعهٔ ایران بود (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۱: ۲۹۹). محصلان ایرانی اعزامی به خارج، یکی از پایه‌های ارتباط ایران با اروپا بودند که از جملهٔ آنها میرزا صالح شیرازی بود. روی میرزا صالح شیرازی به‌ویژه بدین لحاظ تأکید می‌شود که زبان‌های اروپایی و اوضاع عمومی، سیاسی و تاریخی اروپا را فرا گرفته بود و به صورت رابط بین دربار عباس‌میرزا، دربار فتحعلی‌شاه و هیئت‌های اروپایی اعزامی به ایران، خدمت می‌کرد (رینگر، ۱۳۸۱: ۴۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

در سال ۱۲۳۶ق/۱۸۲۰م. برای نخستین بار فتحعلی‌شاه دستور تأسیس وزارت امور خارجه را در ایران صادر کرد (محیط طباطبایی، ۱۳۳۹: ۲۵-۲۶).

پس از تأسیس مدرسهٔ دارالفنون، بیشتر کسانی که در وزارت خارجه مشغول به کار شدند و به مقامات بالایی دست یافتند، فارغ‌التحصیل این مدرسه بودند (افشاری، ۱۳۸۲: ۱۲۳). اقدام مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۴ق/۱۸۹۶م. در انتصاب امین‌الدوله به عنوان صدراعظم، امر تأسیس مدارس جدید از جمله مدرسهٔ علوم سیاسی را تسریع بخشید (کریمیان، ۱۳۷۷: ۹۲-۹۳). در راستای توجه به ضرورت اصلاح وضع آموزشی و فرهنگی، در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۷م. «انجمن معارف» به همت برخی رجال اصلاح‌طلب، فرهنگ‌دوست و معتقد به اصلاح فرهنگی تأسیس شد (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶: ۲۱۶/۱). انجمن معارف از دو طریق در رشد و ترقی و تحول فکر تاریخی و تاریخ‌نویسی مؤثر واقع شد. نخست از طریق گنجاندن دروس تاریخ با اصول جدید جزو برنامه‌ها و دروس مدارس نوین؛ دوم از طریق تألیف و ترجمه و چاپ کتاب‌های جدید تاریخی برای مدارس و مطالعهٔ عموم. درواقع، برخی آثار تاریخ‌نویسی و ترجمه‌های تاریخی در راستای برنامه‌هایی بود که انجمن معارف آن را بنیان نهاده بود (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۲۸۹).

در سال‌های پیش از انقلاب مشروطه، برخی از رجال ایران به هزینهٔ خود فرزندانشان را برای تحصیل علوم سیاسی و حقوق به اروپا فرستادند که از میان آنها می‌توان به میرزا نصرالله‌خان نائینی اشاره کرد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۲۱). میرزا نصرالله‌خان نائینی مشیرالدوله کشورهای اروپایی را از نزدیک ندیده بود، ولی به دلیل معاشرت طولانی‌مدت با خارجیان مقیم ایران و فعالیت در وزارت خارجه، با مسائل جدید دنیا آشنایی داشت (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۲۶۸/۱). آغاز به کار نصرالله‌خان مشیرالدوله در مقام وزیر خارجه، با اتمام تحصیلات پسرش میرزا حسن مشیرالملک (مشیرالدوله و پیرنیای بعدتر) در مدرسهٔ حقوق روسیه و انتصابش به سمت وابستهٔ سفارت ایران در پترزبورگ مصادف شده بود. مشیرالدوله پسرش را برای ادارهٔ کابینه آن وزارتخانه به تهران خواست. در همین زمان امین‌السلطان صدراعظم نیز مشیرالملک را به عنوان منشی مخصوص خود برگزید (مستوفی، ۱۳۸۴: ۶۹/۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

مدرسهٔ علوم سیاسی را می‌توان پس از دارالفنون گام دیگر دستگاه دولت و حکومت قاجار برای ایجاد مؤسسات آموزش عالی و دانشگاهی قلمداد کرد؛ زیرا درست در شرایطی شکل گرفت که اقدامات انجمن معارف برای توسعهٔ مدارس و زمینه‌سازی به منظور تجدید حیات دارالفنون و ایجاد کالج عالی، به بن‌بست کامل رسیده و این انجمن نیز همانند دارالفنون رو به تعطیلی گذاشته بود. تأسیس مدرسه در چنین شرایطی دشوار بود، اما همین اندک عناصر بودند که توانستند با وجود سیطرهٔ امین‌السلطان و همفکران او، زمینه‌ساز تأسیس مدرسهٔ عالی علوم سیاسی شوند (وثوقی، صفت‌گل و زرگری‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۴۱/۱).

مدرسهٔ علوم سیاسی در ۱۵ شعبان ۱۳۱۷ق/ ۱۴ دسامبر ۱۸۹۹/ ۲۸ آذر ۱۲۷۸ با اختصاص تفاوت عمل معدن فیروزهٔ خراسان به عنوان مخارج مدرسه به مبلغ چهارهزار تومان سالیانه، افتتاح شد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۶۹/۱)؛ تکمیل همایون، ۱۳۸۳: ۴۴). سخنران افتتاحیه میرزا نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه بود (شریفی، ۱۳۵۷: ۲۰).

در سال اول چهارده دانشجو در این مدرسهٔ جدید جذب شدند (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۵۱). این مدرسه نه تنها برای آموزش کادر حرفه‌ای وزارت امور خارجه متخصص تربیت می‌کرد، بلکه سهم مهمی از پیشرفت ایران را در آن زمان برعهده داشت. مدرسهٔ علوم سیاسی تا سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م. زیر نظر وزارت امور خارجه اداره می‌شد (Menahri, 1992: 52)، اما عاقبت با مدرسهٔ عالی حقوق و مدرسهٔ عالی تجارت ادغام (فراستخواه، ۱۳۸۱: ۲۲۵) و پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۵م، به دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تبدیل شد (امین، ۱۳۷۸: ۹۱).

سه نظام‌نامه از مدرسه که اطلاعات مناسبی از مواد درسی می‌دهد، موجود است. در ابتدای تأسیس، مدرسه نظام‌نامه نداشت و پس از گذشت چند سال، دارای ساختار منسجم آموزشی شد. نظام‌نامهٔ اول مربوط به ۱۰ محرم ۱۳۲۶/ ۱۳ فوریه ۱۹۰۸ است. نظام‌نامهٔ دوم در ۱۴ محرم ۱۳۳۳/ ۲ دسامبر ۱۹۱۴ نوشته شده است. متن کامل این دو نظام‌نامه به همت چنگیز پهلوان در کتاب *ریشه‌های تجدد* به چاپ رسیده است. نظام‌نامهٔ سوم مربوط به شهریور ۱۳۰۵/۱۹۲۶م. است

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

که به صورت سند در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود (ساکما، ۲۹۷/۰۳۰۱۶۴).

چنان‌که از اسناد برمی‌آید، مدرسه برای مدتی در دوران استبداد صغیر حمایت مالی دولت را از دست داد؛ به همین دلیل ناچار به أخذ شهریه از شاگردان شد و پس از آن، دریافت شهریه در این مدرسه متداول گردید. أخذ شهریه و برپایی کلاس مقدماتی برای مدرسه، مورد مخالفت وزیر معارف وقت که خود مؤسس مدرسه بود، قرار گرفت (ساکما، ۲۹۷/۳۸۷۱۸).

در شوال ۱۳۲۷/ اکتبر ۱۹۰۹ دکتر ولی‌الله نصر به ریاست مدرسه برگزیده شد (پهلوان، ۱۳۸۳: ۱۸). یک سال پس از این انتخاب، مدرسهٔ سیاسی به صورت رسمی به عنوان یکی از ادارات اصلی وزارت خارجه شناخته شد و حقوق مدیر آن، هم‌پایهٔ دیگر مدیران وزارت خارجه به یکصد تومان افزایش یافت (تفرشی، ۱۳۷۰: ۵۴).

در سال اول تأسیس مدرسه، فقه، تاریخ، جغرافیا، زبان فرانسه و حقوق بین‌الملل به شاگردان آموزش داده می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۷۱/۲، ۷۲). از کتاب‌های درسی نوشته‌شده برای این مدرسه می‌توان به کتاب‌های حقوقی اشاره کرد. حقوق بین‌الملل را مشیرالملک تدریس می‌کرد (همان، ۷۶/۲). بخشی از این جزوه، در مراسم افتتاحیه از جانب مشیرالملک برای حاضران در جلسه گفته شده بود.

نام معلمان تاریخ مدرسه به این شرح بوده است: اردشیر جی، عبدالحسین‌خان میرپنج، محبعلی‌خان، صدیق حضرت، نصرالله‌خان ناظم‌العلوم، محمدعلی فروغی، سید ابوالقاسم‌خان، رجبعلی‌خان، نجم‌الملک، عبدالله مستوفی، دکتر افشار، میرزا ابوالحسن‌خان فروغی و سلطان احمدخان (پهلوان، ۱۳۸۳: ۳۳۹، ۳۴۰). در اهمیت درس تاریخ در مدرسهٔ علوم سیاسی می‌توان به اعلان *روزنامهٔ تربیت* اشاره کرد که در آن، درس تاریخ یکی از مواد امتحانی بوده است. «مدرسهٔ علوم سیاسی اعلام می نماید که اشخاصی که سنه اودئیل ۱۳۱۹ مایل به دخول به مدرسه مزبورند، باید در ماه جمادی‌الثانیه در ایام معینه که اعلام خواهد شد در مدرسه حاضر شده و از علوم مفصله با اندازه‌ای که در ذیل معین شده امتحان بدهند. اولاً به فارسی خواندن کتب فارسی و ادبیات، حسن خط و املا و صرف نحو عربی. ثانیاً ریاضی یک دوره تمام حساب و هندسه و سطحیات. ثالثاً جغرافیا و مقدمات هیئت جغرافیای طبیعی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

رابعاً فرانسه خواندن و نوشتن. خامساً تاریخ یک دوره تاریخ ملل قدیمه شرق» (*روزنامهٔ تربیت*، یازدهم صفر ۱۳۱۹ق: شمارهٔ ۲۲۸، ص۲).

سطح آگاهی برخی از معلمان باعث تحسین دانش‌آموزان شده بود. عبدالله مستوفی دربارهٔ اردشیر جی معلم تاریخ سال اول مدرسه آورده است: «معلم تاریخ ما اردشیر جی در ضمن درس تاریخ خیلی مطالب خارجی می‌گفت که واقعاً راه و رسم تاریخ خواندن و تاریخ نوشتن را بما می‌آموخت» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۷۵/۲).

محمدعلی فروغی، فعالیت اجرایی و فرهنگی در مدرسهٔ علوم سیاسی

در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م. زمانی که پدر محمدعلی فروغی[۱] به ریاست مدرسهٔ سیاسی انتخاب شد، وی به نظامت و معلمی مدرسهٔ سیاسی رسید (پروین، ۱۳۹۷: ۳۹). در اصل می‌توان گفت محمدحسین فروغی و محمدعلی فروغی از آغاز احداث مدرسهٔ علوم سیاسی در زمرهٔ معلمان تأثیرگذار آن مرکز علمی نوبنیاد بودند (موسوی، ۱۳۹۸: ۶۷). پس از درگذشت محمدحسین فروغی (ذکاءالملک) به موجب فرمانی از طرف محمدعلی‌شاه، محمدعلی فروغی صاحب لقب پدرش شد (واردی، ۱۳۹۴: ۶۱). در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م. محمدعلی فروغی به ریاست مدرسه انتخاب شد. وی تا مقام وزارت و نخست‌وزیری نیز پیش رفت تا آنکه در سال ۱۳۲۱ش/۱۹۴۲م. درگذشت (علوی، ۱۳۸۵: ۴۹–۵۰).

پیش از آنکه به تألیفات و ترجمهٔ فروغی در درس تاریخ پرداخته شود، باید به دیگر آثار او در دو بخش حقوق و اقتصاد هم اشاره کنیم. در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م. کتابی در ۱۶۰ صفحه با عنوان *حقوق اساسی، یعنی آداب مشروطیت دول* توسط فروغی نوشته شد. نسخهٔ خطی این رساله در کتابخانهٔ مجلس نگهداری می‌شود (پهلوان، ۱۳۸۳: ۱۰۲). گویا بعدها به صورت چاپ سنگی نیز منتشر شده است. پهلوان نسخهٔ کامل این رساله را در پیوست کتاب خود آورده است. با تأسیس

۱ محمدعلی فروغی در سال ۱۲۹۴ق/۱۸۷۷م. در تهران زاده شد. وی پس از تحصیلات مقدماتی، در دارالفنون تهران به تحصیل طب مشغول شد، اما پس از مدتی به سبب علاقه‌مندی به ادبیات، طب را رها کرد و به ادبیات روی آورد؛ همین امر در آیندهٔ سیاسی او نقش مؤثری داشت. او به واسطهٔ پدرش با فن تاریخ‌نگاری آشنا شد. میرزا محمدعلی به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تسلط داشت و همین باعث شد در آغاز کارش، ترجمه و گردآوری داده‌های تاریخی آثار پدرش را انجام دهد (زندفرد، ۱۳۹۷: ۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

مدرسهٔ علوم سیاسی، چند کتاب برای تدریس در این مدرسه، توسط معلمان تألیف و ترجمه شد (کیان‌فر، ۱۳۹۱: ۵۰).

پدر فروغی در مقدمه‌ای که بر رسالهٔ حقوق اساسی نوشته، آورده است این کتاب اولین نوشته‌ای است که در این موضوع نگارش یافته و به علما اطمینان داده است که مطالب آن با احکام و قوانین شریعت تناقض و مخالفتی ندارد (فروغی، ۱۳۲۵: ۹). همچنین او نخستین کتاب در علم و ثروت و نخستین کتاب درسی اقتصاد در ایران را با ترجمه و اقتباس اثر «پل بوگار» فرانسوی نوشت و با عنوان *اصول علم ثروت ملل یعنی اکونومی پلتیک* در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م. منتشر کرد. او کتاب *آئین سخنوری* را نیز که دربارهٔ فن خطابه است، در سال ۱۳۱۶ش/۱۸۹۸م. به چاپ رساند. از همه مهم‌تر کتاب *سیر حکمت در اروپا* است که نخستین جلد آن در سال ۱۳۱۰ش/۱۸۹۲م. چاپ شد. این کتاب نخستین تاریخ فلسفهٔ غرب به زبان فارسی بود (رحمانیان، ۱۳۹۰: ۵۶).

محمدعلی فروغی و تألیف و ترجمهٔ کتب درسی تاریخ در مدرسهٔ علوم سیاسی

در آغاز، کتابی در زمینهٔ تاریخ در مدرسهٔ سیاسی موجود نبود و معلم کلیاتی از تاریخ را به صورت کنفرانس ارائه می‌داد؛ تا اینکه ترجمهٔ جزوه‌های تاریخ ملل مشرق‌زمین به چاپ رسید (مستوفی، ۱۳۸۴: ۷۱/۲). در این جزوه‌ها که بعدها به صورت کتاب منتشر شد، ویژگی‌های جغرافیایی تمدن‌ها به صورت کوتاه توصیف شده و سپس مطالب تاریخی آمده است (سینوبس، ۱۳۱۷ق: ۳). علی‌اکبر سیاسی نقل کرده است که: «ریاست مدرسه را میرزا محمدعلی‌خان عهده‌دار بود و ضمناً درس تاریخ می‌داد. برادرش میرزا ابوالحسن فروغی نیز معلم تاریخ بود. آن وقت‌ها به جز برای یکی دو درس کتابی وجود نداشت و معلمین درس‌ها را دیکته می‌کردند و ما می‌نوشتیم و یا شرح می‌دادند و یادداشت برمی‌داشتیم و شب‌ها یادداشت‌ها را انشا کرده در کتابچه‌ها پاکنویس می‌کردیم» (سیاسی، ۱۳۹۳: ۳۸).

فروغی در یادداشت‌های روزانه‌اش به این دو مدرسه اشاره کرده است: «صبح برخاسته بعد رفتم مدرسهٔ خرد برای امتحان تاریخ. فرستادم کتاب تاریخ را از مدرسهٔ سیاسی آوردند» (فروغی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). با توجه به نیاز شاگردان مدرسه،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

نخستین کتاب‌های درسی تاریخ را به نگارش درآورد که در همان سال‌ها به چاپ رسیدند و در زمرهٔ کتاب‌های درسی رایج برای درس تاریخ درآمدند. بهترین و اندیشیده‌ترین کتاب‌های تاریخ آن زمان، کتاب‌هایی بود که فروغی برای مدرسهٔ سیاسی می‌نوشت یا ترجمه می‌کرد. نوشته‌های او در این زمینه تا مدت‌ها الگویی برای دیگران بود. بخشی از این آثار به صورت دست‌نوشته در آرشیو نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (صفت‌گل، ۱۳۷۸: ۱۶۸).

از دیدگاه فروغی تاریخ و آموزش آن اهمیت بسیاری دارد؛ چنان‌که در جایی اشاره کرده است: «علوم ریاضی از قبیل حساب و هندسه و جبر و مقابله و جغرافیا و غیرها البته در تربیت ملت بی‌مدخلیت نیست، اما نه آن‌قدر که علم تاریخ را دخالت است. زیرا که علت ترقی و تنزل امم، بلکه سبب صعود و نزول علوم و رواج و کساد فنون و پیشرفت کار صنایع و حِرَف و اصلاح و افساد اخلاق ملل و ضعف و قوت دول و تجاربی که از این جمله حاصل می‌شود، در تاریخ و از تاریخ است. کسی که تاریخ نداند، پلیتیک نداند، خطاست که دخل و تصرف در کارهای ملکی و دولتی نماید» (*روزنامهٔ تربیت*، نهم جمادی‌الثانیه ۱۳۱۸ق.، نمرهٔ ۲۰۵، ص۸).

قبل از نگارش کتاب درسی تاریخ توسط محمدعلی فروغی در دارالفنون، اقداماتی برای تاریخ‌نویسی صورت گرفت و «ژول ریشار» کتاب درسی را دربارهٔ تاریخ ناپلئون نوشت (صفت‌گل، ۱۳۷۸: ۱۵۶). وی معلم درس فرانسه بود و در سایر علوم هم مهارت داشت. ذکر این نکته ضروری است که در آغاز، زبان فرانسه جزو دروس اساسی بود (کیان‌فر، ۱۳۸۴: ۸۶). همچنین این اثر جلد دوم از کتاب *تاریخ مفصل فرانسه تا زمان ناپلئون* است که برای مطالعهٔ ناصرالدین‌شاه ترجمه و تحریر شده بود (آدمیت، ۱۳۴۸: ۳۷۶).

تاریخ‌نویسی و تألیف کتب درسی که به همت این پدر و پسر (محمدحسین و محمدعلی فروغی) در آغاز قرن بیستم شروع شده بود، بسیار مورد توجه و مطالعه قرار گرفت (Vejdani, 2015: 40). در این بین، عملکرد محمدعلی فروغی بسیار شاخص‌تر است. برخی ترجمه‌ها و تألیفات وی در زمینهٔ تاریخ عبارت است از: *تاریخ اسکندر کبیر* (۱۳۱۵-۱۳۱۶ق/ ۱۸۹۷-۱۸۹۸م) اثر جیمز کمبل؛ *تاریخ ملل*

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

قدیمهٔ مشرق (۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م) و *تاریخ مختصر دولت قدیم روم* (۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م) که فروغی این کتاب را به درخواست مؤتمن‌الملک وزیر معارف و اوقاف، در زمانی که مدیریت مدرسهٔ علوم سیاسی را برعهده داشت، ترجمه و تدوین کرده است (فروغی، ۱۳۹۹: ۲۰). افزون بر این، وی کتاب درسی *دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم؛ جلد اول: تاریخ ایران (۱۳۱۸ق/۱۹۰۱م)* و *تاریخ مختصر ایران* را به نگارش درآورد. چاپ نخست *تاریخ مختصر ایران* (۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م) رویدادهای تاریخ سیاسی ایران تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه را در بردارد. تاریخ مختصر چاپ ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م. وقایع تاریخ ایران را تا ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م، یعنی پایان واقعهٔ میدان توپخانه در ۲۳۲ صفحه در بردارد. چاپ دیگر آن در سال ۱۳۴۱ق/۱۳۰۱ش. انجام شد و در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م. برای دوازدهمین بار بازچاپ شد که این بار رویدادهای مربوط به پس از واقعهٔ میدان توپخانه تا برآمدن رضاشاه پهلوی را در بردارد. در ادامه، وی سه کتاب درسی در زمینهٔ تاریخ جهان تألیف کرد: *تاریخ قرون وسطی* (فروغی، ۱۳۳۷ق [الف])، *تاریخ جدید* (فروغی، ۱۳۳۷ق [ب]) و *تاریخ معاصر* (فروغی، ۱۳۳۷ق [ج]). حجم درس تاریخ، بنا به هدفی که پیش از این اشاره شد، در برنامهٔ درسی مدرسهٔ سیاسی زیاد بود. بنابراین طبیعی بود که برای شاگردان این مدرسه چندین کتاب تاریخی تهیه شود.

فروغی یک دوره تاریخ جهان را بر بنیاد تقسیم‌بندی‌های اروپایی که در برگیرندهٔ دوران قرون‌وسطی، قرون جدید و قرون معاصر بود، از فرانسه ترجمه کرد. علاوه بر این، فروغی در یادداشت‌های خود به نوشتن کتابی دربارهٔ تاریخ اسلام برای شاگردان مدرسهٔ سیاسی اشاره کرده است (فروغی، ۱۳۹۰: ۲۵۳). البته در مورد این سه کتاب باید گفت محتوای آنها سنگین و تخصصی بوده است؛ زیرا نگارندهٔ پژوهش حاضر در هیچ‌یک از خاطرات شاگردان مدرسه، اشاره‌ای هرچند کوتاه به این سه کتاب را ملاحظه نکرده، اما از لحاظ تأثیرگذاری، این سه کتاب در نگاه به تاریخ جهان، در کتب درسی مدارس جدید، نقشی مؤثر و بسزا داشته است.

الف. کتاب درسی تاریخ قرون وسطی: فروغی در ابتدای این کتاب، دوره‌بندی‌های تاریخ جهان را از نگاه اروپاییان مشخص کرده است: «ازمنه ماقبل تاریخ، دویم ازمنه قدیمه، سیم قرون وسطی، چهارم ازمنه جدید، پنجم ازمنه معاصر» (فروغی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

۱۳۳۷ق[الف]: ۱). نویسنده در این کتاب کم‌رنگ شدن تکاپوهای علمی، بی‌رونق شدن زندگی شهری و چیرگی فئودالیسم را مطرح کرده است. توجه او به اروپایی بودن این تقسیم‌بندی و ناهمخوانی آن با تاریخ جهان است. او در ادامه به فئودالیسم به عنوان خصوصیت عمدهٔ قرون وسطی اشاره کرده و در انتهای مقدمهٔ این کتاب گفته است: «قرون وسطی از حیث تمدنی عمومی و سیر زندگی بشری به سه دوره تقسیم می‌شود» (همان، ۳۱). نویسنده به آموزش و سختی‌های انتقال این کتاب هم اشاره‌هایی داشته است: «تاریخ قرون وسطی در بدو امر درهم و پیچیده به نظر می‌آید. اشخاصی که این تاریخ را تحصیل یا تعلیم می‌نمایند، غالباً در شرح و ضبط وقایع متکاثره و سنوات متفرعات آن دچار درد سر و اشکالات می‌شوند. اگر بخواهیم از این پیچیدگی‌ها احتراز کنیم چاره‌ای نداریم جز اینکه اصول عمده و اصلیه آن را در نظر گرفته دنبال مطالب جزئی و بی‌اهمیت که مخصوصاً در آن دوره تاریخ بسیار فراوان می‌باشد نرویم» (همان، ۱۱، ۱۲).

فروغی دشواری‌های پیوند تدریس و تحصیل تاریخ قرون وسطی را یادآور شده است. ویژگی نوشتهٔ او در این کتاب پرداختن به خانواده‌های قدرتمند در قرون وسطی است. این‌طور می‌توان استنباط کرد که این درس و این کتاب در عین دشواری بسیار، برای محصلان مدرسهٔ علوم سیاسی می‌توانست شناخت خوبی از اروپا و اوضاع و احوال آن بدهد. فروغی همچنین به شیوهٔ خویش در ارائهٔ متن درس تاریخ اشاره کرده و اینکه چه تدبیرهایی برای آسان‌تر ساختن آموزش تاریخ قرون وسطی اندیشیده است: «چون مقصود ما حتی‌الامکان فراهم آوردن موجبات تسهیل تعلیم است یا تحصیل این تاریخ، این است که مطالبی را در ضمن فصول آتیه با تفصیل بیان خواهیم کرد، اعم از اصول یا فروع، در این سطور خلاصه یا شرح خیلی مختصر خاطرنشان می‌کنیم تا در موقع تفصیل، مطالعه کنندگان با کمال آسانی بتوانند به نکات لازمه متوجه شده و به هیچ وجه در فهمیدن وقایع و ترتیب نتایج آنها جای اشکال و تردید نماند» (همان، ۱۴).

ب. کتاب درسی تاریخ جدید: فروغی در دیباچهٔ کتاب *تاریخ جدید* آورده که محتوای اصلی کتاب، تاریخ اروپا در قرون جدید است. او در آغاز یادآور شده «تاریخ عمومی و خصوصی را هر ملتی به مناسبت وقایع عمومی و یا حضور

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

خود تقسیم و تنظیم تواند کرد». بنابراین او پس از یک تقسیم‌بندی در ابتدای کتاب که شامل قبل از هبوط، بعد از هبوط تا صدر اسلام، از حدود اسلام تا یومنا هذا و دورهٔ معاصر یا آزادی ملی می‌شود، به دوره‌بندی تاریخ اروپا در قرون جدید پرداخته که عبارت است از: «دورهٔ ماقبل تاریخ، دورهٔ تاریخی در برگیرنده عصر قدیم، عصر وسطی یا دورهٔ ملوک‌الطوایفی، عصر جدید یا دورهٔ رجوع، عصر معاصر» (فروغی، ۱۳۳۷ق [ب]: ۱-۶). فروغی در این کتاب به سه مورد پرداخته است: «اول، تأسیس دول امروزه؛ دوم، کشف اراضی جدید؛ سوم، اختراعات مهمه» (همان، ۷).

ج. کتاب درسی تاریخ معاصر: این کتاب نیز به صورت دست‌نوشته در قطع جیبی و در ۵۹۷ صفحه، صحافی شده است. در دیباچهٔ آن فروغی دیدگاه‌های نو در اندیشهٔ سیاسی و چگونگی پیوند میان حکومت و جامعه را بیان کرده و بخش پایانی کتاب را به اوضاع حالیهٔ دنیا اختصاص داده است (فروغی، ۱۳۳۷ق [ج]: ۱).

بررسی کتاب دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم؛ جلد اول (تاریخ ایران)

کتاب مورد بررسی در سال ۱۳۱۸ق. به صورت چاپ سنگی به طبع رسیده است. محمدعلی فروغی کتاب درسی *دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم؛ جلد اول (تاریخ ایران)* را برای تدریس در «مدرسهٔ سیاسی» با کتابت پدرش میرزا محمدحسین‌خان فروغی آماده کرد. این کتاب در ۴۲۰ صفحه تنظیم شده و فهرست مطالب آن در انتهای کتاب آمده است. به این نکته نیز باید اشاره کرد که با توجه به اینکه کتاب درسی محسوب می‌شد و فروغی می‌خواست از حجم آن کم کند، از ارجاع دادن خودداری کرده است. او در تألیف این کتاب درسی، حتی از حکومت‌های محلی هم غافل نشده و در انتهای کتاب در چند صفحه به این حکومت‌ها پرداخته و صفحه‌ای را هم به غلط‌های نگارشی و املایی کتاب اختصاص داده است. مهم‌ترین ویژگی کتاب درسی، مشخص بودن مخاطب آن، یعنی محصلان مدرسه است و این ویژگی برای اولین بار در کتاب *دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم* نوشتهٔ محمدعلی فروغی مشاهده می‌شود. نویسنده به پیشگامی خود در این زمینه آگاهی داشته و در مقدمه با آوردن عبارت «مدارس ما از این پس در علم تاریخ کتاب درس و تدریس خواهند داشت» به خود

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

بالیده است (عسکرانی، ۱۳۸۹: ۷۱، ۷۲). عیسی صدیق که در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م. دورهٔ مدرسهٔ کمالیه را در تهران به پایان رسانده بود، در میان کتاب‌های آن روزگار که در این مدرسه خوانده، از این کتاب یاد کرده است (صدیق، ۱۳۵۲: ۱۷).

این کتاب درسی چند ویژگی برجسته دارد؛ از جمله رویکرد جدید آن به روایت و دوره‌بندی تاریخ ایران (متین، ۱۳۹۹: ۱۰۲) که مختص فروغی بوده است. البته بعضی از آنها در سال‌های بعد الگوی مؤلفان کتاب‌های درسی و شاگردانش قرار گرفت؛ مانند میرزا حسین‌خان (حسین‌بن محمدکریم) مترجم وزارت خارجه و فارغ‌التحصیل دیپلمهٔ مدرسهٔ علوم سیاسی که از آموزش تاریخ در مدرسهٔ علوم سیاسی بهره برده بود و کتابی با نام *تاریخ ایران* تألیف کرد. این کتاب در سال ۱۳۳۷ق/۱۹۱۸م. به چاپ رسید (سعیدی، ۱۳۷۹: ۳۸). یکی دیگر از این مؤلفان و تاریخ‌نویسان، عباس اقبال است. او یک دوره تاریخ ایران و تاریخ عالم برای تدریس در مدرسه‌های ایران نوشت (صفت‌گل، ۱۳۷۸: ۱۷۹). اقبال در تمام کتاب‌های درسی خود، به کتاب *تاریخ عالم* فروغی به عنوان الگو نگاه کرده و مانند فروغی در این کتاب‌ها –چون نقش کتاب درسی را داشته‌اند– از ارجاع‌دهی خودداری کرده است. حتی در برخی موارد در کتاب تاریخ ایران و عمومی برای سال سوم دبیرستان، به مانند فروغی محتاط عمل نکرده، بلکه روایت صادقانه‌تری از بعضی سلسله‌ها مانند زندیه را روایت کرده است (اقبال آشتیانی، ۱۳۳۳: ۴۴).

کتاب دارای دو قسمت اصلی است. قسمت اول، تاریخ ایران قبل از اسلام و قسمت دوم، تاریخ ایران از صدر اسلام تا زمان نگارش که در مقدمه چنین تأکید شده است: «... تکلیف و قصد ما نگارش یک دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم است و طبیعی آنکه از ملل قدیمه مشرق شروع نماییم و تاریخ ایران را پیش اندازیم و نخستِ این کار کردنی را بپردازیم؛ زیرا که ایرانی‌های قدیم ما یکی از ارکان معتبر ملل مذکوره بوده‌اند و به شاهکارهای بزرگ، خود را در عالم معرفی و معروف نموده و فرضاً که ما در این مورد رعایت وطن عزیز خویش را کرده باشیم، گناهی نکرده‌ایم... [زیرا] حُبّ وطن از ایمان است و بی‌ایمان نسناسی به صورت انسان... و کتابی که می‌نویسیم سرگذشت مِهان این سامان، بعداز این تمهید مقدمه پوشیده نباشد که ما

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

تاریخ ایران را به اقتضای وضع و حال مملکت منقسم به دو قسمت نموده ایم؛ قدیم و جدید. قسمت قدیم از اول زمان تاریخی است، یعنی از ابتدای دولت هخامنشی تا انقراض سلطنت سلاطین عجم به دست عرب؛ و قسمت جدید از ظهور پرنور شریعت مقدس اسلام تا زمانی که خود در آن زندگانی می‌نماییم» (فروغی، ۱۳۱۸ق: ۶/۱–۷).

از مهم‌ترین ویژگی‌های محتوایی کتاب کوشش فروغی برای گام برداشتن در مسیر «حکمت تاریخ» است. وی در مقدمهٔ کتاب از فلسفه تاریخ سخن گفته که به‌طور قطع برای محصلان مدرسهٔ علوم سیاسی تازگی داشته است: «در نقل مطالب غیرمهم اصرار ننموده به وقایعی که دانستن آن لازم است پرداخته‌ایم و عمدهٔ سعی ما این بوده که وضع تمدن و اخلاق و حالات و عادات مردم را در هر زمان با علت ترقی و تنزل و ظهور و زوال هر سلسله ظاهر سازیم. به عبارة اخری به حکمت تاریخ پردازیم» (همان، ۸/۱).

یکی از مسائلی که کار مورخان پیش از فروغی را دچار ایراد کرده، استفاده از گاه‌شماری‌های گوناگون است؛ گاه‌شماری هجری، ترکی و گاه‌شماری بر مبنای هبوط آدم. فروغی به جای استفاده از این گاه‌شماری‌ها، از گاه‌شماری میلادی برای توصیف رویدادهای تاریخ ایران در دورهٔ باستان و از گاه‌شماری هجری برای رویدادهای دورهٔ اسلامی استفاده کرده است. همچنین در ترجمه‌هایش هر جا مطلبی را بر مطالب کتاب افزوده، به ذکر منبع خود پرداخته است. با این حال، در *تاریخ عالم* خویش به سبب آنکه کتاب درسی بود، از ذکر منابع خودداری کرد: «ما مخصوصاً رعایت حال مبتدی را نموده به ذکر اسامی مصنفین و رحّالین و شرح اسناد و افادات و اظهار اطلاع نپرداخته‌ایم یعنی مستحب را گذاشته و با واجب ساخته‌ایم» (همان، ۹/۱). او در مقدمهٔ این اثر اشاره کرده است: «در این تاریخ مطلب بی‌سند و محض قول اصلاً و مطلقاً نیست. آنچه نگاشته شده مأخذ صحیح دارد. دیگر به سبک مورخین قرون متوسطه، تاریخ را فقط قصه و حکایت نپنداشته‌ایم» (همان، ۱۱۸/۱). فروغی هر سلسله‌ای را که توضیح داده، در انتهای آن قسمت، جدولی با نام سلاطین، سال جلوس، سال وفات و مدت حکمرانی آنها بیان کرده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

فروغی وقتی می‌خواست به هر سلسله بپردازد، علل شکوه و سقوط آن را مورد توجه قرار داده و در انتهای پرداخت به هر سلسله، تحلیلی از آن به خواننده ارائه داده است. برای مثال، در نگاه وی فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان ناشی از علل داخلی و خارجی بود. او همهٔ تقصیرات را به گردن یزدگرد سوم نینداخته و روایت تاریخی از یک سلسله و فروپاشی آن را از تمام جوانب مورد بررسی قرار داده است. با توجه به اینکه این کتاب در مدرسهٔ سیاسی هم تدریس می‌شد، روابط بین کشورها مدّ نظر نویسنده بوده است. «یزدگرد سیم آخرین پادشاه سلسله ساسانی و خاتم سلاطین عجم، در جلوس این پادشاه اسباب انقراض دولت ایران از هر جهت فراهم بود. چه خود پادشاه جوان و بی‌تجربه و شیرویه هم که تمام اجزای خانوادهٔ سلطنت را کشته و کسی باقی نمانده که از عهدهٔ حفظ مملکت برآید. جنگ‌های با روم و غیره نیز دولت را ضعیف کرده و حالی برای ملت نگذاشته علاوه بر این قوم سخت صلب عرب باغیرت و شور مذهب اسلام که تازه ظهور نموده به تاخت‌وتاز افتاده با کمال پشت‌گرمی که اگر کشته شوند شهید شده به بهشت می‌روند و اگر فتح کنند به گنج و مال و نعمت فراوان فایز می‌گردند. مع هذا یزدگرد به قدری که از قوهٔ او به فعل می‌آمد در حفظ سلطنت کوشید و تا جان داشت از دفاع دست نکشید» (همان، ۱۱۸/۱).

فروغی در کتاب *تاریخ عالم*، با وسواس تمام با اشاره به کشفیات باستان‌شناسی در شوش، می‌خواست به محصلان بگوید در چاپ‌های بعدی این اثر، هر مسئله و واقعه‌ای را که ذکر نشده است، با دقت فراوان اضافه خواهد کرد. «آنچه تا امروز در عالم علم تاریخ منکشف شده و اهمیت دارد درین کتاب و مجلدات دیگر دورهٔ ابتدایی تاریخ عالم مندرج و ثبت می‌نماییم و افزودنی‌ها را با اهتمام تمام می‌افزاییم. پای مسامحه و اهمال در میان نیست چه در حوادث خارجه، چه در وقایع داخله جز اینکه در همین ایام مسیو مرگان نام فرانسوی در خرابه‌های شوش اکتشافی راجع به این جلد کرده و معلوم نموده که یک طبقه سلاطین در ایران سلطنت داشته و هیچ اسمی از آن در تواریخ ملل نیست و ظاهراً پادشاهان آن طبقه یازده نفر باشند و بنا بر این عقیده، قدیم‌ترین پایتخت ایران شوش می‌باشد برخلاف آنکه عنقریب در باب اول کتاب خواهید خواند اما چون این مطلب هنوز داخل در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

مسطورات کتب و جراید نشده تفصیل آن تحقیق مکشوف نگشته، عجاله از آن صرف نظر می‌کنیم لکن بعدها به قلم خود ما یا به دست برادران ضمیمه خواهد شد» (همان، ۸/۱).

در این اثر به سختی می‌توان اثری از افسانه و داستان یافت. شاید تنها موردی که وی به نقل داستان پرداخته، نحوهٔ به پادشاهی رسیدن بهرام پنجم و داستان گذاردن تاج میان دو شیر باشد (همان، ۱۰۱/۱). نویسنده در فصل سوم از قسمت اول، باز هم به منابع و اسناد متقن برای نوشتن تاریخ اشاره کرده و به نقل از تاریخ پیشدادیان و کیانیان پرداخته و علت آن را چنین ذکر کرده است که: «بعد از استیلای عرب و انقراض دولت ساسانی کتب ایران تمام طعمهٔ آتش و نابود شد. بعد از آن چون خواستند تاریخی از ایران بنویسند اصلاً ماخذ به دست نمی‌آمد. ناچار از علمای زردتشتی که بازماندگان قدیم بودند استمداد نمودند آن جماعت هم جز بعضی کتب مذهبی که غرض‌های انسان هرگونه دخل و تصرف در آن کرده چیزی نداشتند. بنابراین اخباری مخلوط به افسانه و مجعولات به دست نویسندگان دادند و آن قصه‌ها برای مورخین عرب و عجم مأخذ و سند شد. خود وقایع معلوم می‌کند که بنیان و بنیاد صحیحی ندارد. مع ذالک ندانستن آن حکایت برای ما عیب است» (همان، ۴۴/۱).

ویژگی دیگر در کتاب تاریخ عالم فروغی، وجود بُن‌مایه‌های تاریخ ناسیونالیستی است. از دیدگاه فروغی «در هوش و شعور و عقل و زرنگی ایرانی‌های قدیم حرفی نیست و کمال ذوق شعری و صنعتی ایشان مسلم است؛ همچنین همت و شجاعت و مردانگی آنها؛ چنان‌که دلاوری دلیران ایران و کارهای نمایانی که در جنگ‌ها کرده‌اند، میان یونانی‌ها با وجود رقابتی که با ایرانی‌ها داشته‌اند ضرب‌المثل بوده. هیچ ملت از ملل آسیایی و آفریقایی در مقابل ایرانی تاب مقاومت نداشته... و از صفات ایرانی‌ها که در نزد ملت یونان و سایر ملل ضرب‌المثل شد، صداقت و راستگویی آنها بود. از بس راستگویی را کار خوبی می‌دانستند از کسب و تجارت کراهت داشتند» (همان، ۳۴/۱-۳۵). فروغی همچنین پیرو همان دیدگاهش، به جوانمردی و خون‌گرمی و مهمان‌نوازی ایرانی‌ها اشاره کرده و آن را از ویژگی‌های بارز آنها دانسته است (همان، ۳۶/۱). دوری از ملیت‌خواهی کاذب و آگاهی به دنیای جدید،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

فروغی را در تألیفات تاریخی خود همچون یک مورخ و تاریخ‌نگار مدرن معرفی می‌کند (حقدار، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

در روایت فروغی بیگانگان منشأ بسیاری از مشکلات قلمداد شده‌اند. از دیدگاه وی، دین ایرانیان نیز در اثر اختلاط با بیگانگان دستخوش انحراف شده است. به نوشتهٔ فروغی «بنای آئین زردشت بر توحید بوده» است (فروغی، ۱۳۱۸: ۴۱/۱). او دربارهٔ تأثیرگذاری بیگانگان بر دین ایرانیان این‌گونه گفته است که: «در عهد قدیم در شمال و مغرب ایران قومی ساکن بودند تورانی و عناصر اربعه خاصه آتش را می‌پرستیدند. ایرانی‌ها با این قوم خلطه و آمیزش کرده از این راه پرستش اجسام و اجرام فروزنده داخل دین زردشت شد ولی خود زردشتیان آتش‌پرست و آفتاب‌پرست نبودند. بزرگان قوم مزبور که آتش را پرستش می‌کردند و مجوس نام داشتند نزد زردشتیان کم‌کم اعتبار و رسوخی بهم رسانیده تا آنجا که اجرای آداب مذهبی زردشت به دست ایشان افتاد» (همان، ۴۱/۱).

در قسمت دوم که از صدر اسلام تا زمان حال است، فروغی حملهٔ اعراب به ایران را به صورت کوتاه گزارش کرده و سپس وارد تاریخ خلفا شده است. وی از شورش‌های ایرانیان علیه اعراب چشم پوشیده و تاریخ ایران را از طاهریان، به‌ویژه صفاریان پی گرفته است. وی صفویان را احیاگر حکومت و شخصیت ایرانیان و قلمرو آنها را نیز حدود طبیعی قلمرو ایران دانسته است. از دیدگاه فروغی، رسمیت تشیع ناشی از تعصب شاه‌اسماعیل است و این امر برای حفظ ایران از آماج حملات دشمنانش مفید بوده است: «مذهب عمومی و رسمی ایران را که تشیع است نیز صفویه پابرجا نموده و از این حیثیت هم این مملکت را از سایر ممالک اسلامی متمایز کرده و بسیاری از آداب و عادات که مردم ایران تا این اواخر داشته و اکثر هنوز دارند از آن دوره است» (همان، ۳۹۳/۱).

نکتهٔ قابل توجه در کتاب *تاریخ عالم*، بخش قاجاریه است. وی در نگارش *تاریخ قاجاریه* با وجود اطلاع دقیقی که داشته و دید انتقادی که به‌طور کل از خود نشان داده، کمتر زبان به انتقاد از قاجاریه گشوده است؛ زیرا تمایل داشت هیچ‌گونه نظر منفی در ذهن دانش‌آموزان از قاجاریه شکل نگیرد. البته در جای خود با مسامحه نقدی وارد کرده است. وی پس از اشاره به جنگ با روسیه و شکست ایران نوشته

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

است: «البته علت این شکست و از دست دادن آن ولایات و خسارت را خوب ملتفت شدید و دانستید که چون پای خارجه به میان آمد، نفاق که همیشه بد است، در آن وقت بدتر و بی‌موقع می‌باشد و مبادا در دل خود خیال کنید که ما همانیم که بودیم و همان خواهد بود. خیر. حالا سران محتشم تجربه‌آموز و عالم‌شده آن زمان را روزهای جاهلیت بدانید و تاریخ را به دقت بخوانید تا درست معلوم شما شود که تیشهٔ نفاق ریشهٔ طرفین را می‌کند و این سودا برای احدی اصلاً سودی ندارد» (همان، ۳۶۱/۱-۳۶۲). با اینکه نقد کرده، اما باز از مدح دوران فتحعلی‌شاه قاجار دست نکشیده و دوران او را باشکوه‌ترین اوقات سلسلهٔ قاجاریه دانسته و از او با عنوان «شهریار بزرگ» (همان، ۳۶۶/۱) نام برده است.

فروغی که از تاریخ قاجارها و ضعف آنها مطلع بوده، از پادشاهانی که به کشورگشایی معروف بوده‌اند، ستایش کرده است. وی از خسرو یکم انوشیروان ساسانی تجلیل بسیار کرده و نوشته است: «خسرو یا کسری ملقب به انوشیروان بزرگ‌ترین سلطان از سلاطین مشرق‌زمین است و این شاهنشاه هم در مملکت‌گیری دارای اول رتبه می‌باشد، هم در مملکت‌داری. می‌توان گفت مقام کسری انوشیروان از پطر کبیر امپراطور روس کمتر نیست» (همان، ۱۰۸/۱).

در گزارش وی، از واقعهٔ شورش بر امتیازنامهٔ رژی و لغو قرارداد رویتر و همچنین گزارش سایر امتیازاتی که ناصرالدین‌شاه به انگلیسی‌ها داده، خبری نیست. با این حال، به گزارش جنگ‌های ایران و روس و نیز جنگ با انگلیسی‌ها و قرارداد پاریس پرداخته است. او در مورد اخیر اشاره کرده است که: «اتفاقاً در همان اوان شورشی در هندوستان درگرفت و این صلح برای انگلیس خیلی مفید شد و منافع ایران از دست رفت» (همان، ۳۷۶/۱). فروغی در قسمت تاریخ قاجاریه به جدال دائمی تجددگرایانی چون قائم‌مقام، امیر نظام و سپهسالار با اطرافیان شاهان پرداخته و گفته است: «می‌خواستند درست کاری‌های فرنگ را در ایران معمول و متداول کنند» (همان، ۳۸۱/۱). وی به شدت از پذیرش تجدد نیمه‌کاره در این دوره انتقاد کرده است: «اما علوم و صنایع و تمدن در ایران به حالت سایر اقطار شرقی رنگ و روئی نداشت جز اینکه در این مدت چون در مغرب‌زمین علم و صنعت ترقی و کمالی یافته و سایر اقالیم ناچار باید از آنجا کسب کنند از اوایل سلطنت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

ناصرالدین‌شاه طیب الله تربته به سعی میرزا تقی‌خان امیر نظام فراهانی هنرهای تازه و معلومات جدید پائی در ایران باز کرد و داخل شد اما خیلی به‌طور تأنی و بطئی. در صدارت حاجی‌میرزا حسین‌خان مشیرالدوله خواست این حرکت سریع شود لکن چنان‌که پیش گفته‌ایم موانع نگذاشت و حاصل آنکه تمدن وقت به طور کمال و تناسب و به قدر ملاحظات و مقتضیات مملکتی در این سرزمین درست جاگیر نشد» (همان، ۴۰۰/۱).

روایت فروغی با کشته شدن ناصرالدین‌شاه به دست میرزا رضا کرمانی، بی‌آنکه به علل آن اشاره‌ای کرده باشد و آغاز سلطنت مظفرالدین‌شاه به پایان می‌رسد. فروغی در بخش پایانی، وقتی به دورهٔ مظفرالدین‌شاه می‌رسد، بسیار با تملق از آن دوره که با زمان نگارش کتاب برابر بوده، یاد کرده است: «از ابتدای جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت شاهنشاه رعیت‌پناه مظفرالدین‌شاه خلد الله ملکه و سلطانه نسیم آزادی وزید و بوی بهبودی به مشام دانی و قاصی رسید زبان و قلم آزاد گردید و اقوی دلیل پیشرفت آنکه چند باب مدرسه و مکتب منظم ملتی دایر کردند و جمله را مظفری نامیدند و دولت به بعضی از آن دارالعلم‌ها کمک نمود و عامهٔ ناس به تقریبی ملتفت شدند که ترقی و تمدن و ثروت و سعادت فقط بسته به علم است» (همان، ۳۸۹/۱).

از دیگر نکات بارز در بخش آخر این اثر، حذف القاب است. محدودیت‌های سیاسی در تاریخ‌نگاری فروغی نیز همانند همهٔ مورخان از آغاز تا کنون تأثیر خود را بر جای نهاده است. در *تاریخ ایران* وی، نگرش انتقادی به شاهان به‌طور عام و شاهان قاجاریه به‌طور خاص کمتر به چشم می‌خورد. از همین رو، ناظم‌الاسلام کرمانی در *تاریخ بیداری ایرانیان* ضمن نقل سرگذشت میرزا حسین‌خان سپهسالار از کتاب *تاریخ ایران* وی، اشاره کرده است که: «مرحوم ذکاءالملک در زمان مظفرالدین‌شاه تاریخ خود را نوشت و در آن وقت آزادی نداشت» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). با این حال، وی موفق شده بود با ترفندی القاب را حذف کند: «اعلیحضرت شهریار تاجدار پنجمین پادشاه سلسلهٔ علیه قاجار شاهنشاه حالیهٔ ایران مظفرالدین‌شاه خلد الله ملکه و سلطانه پادشاهی است از ظاهرسازی و تملق بیزار و مخصوصاً به مورخین مملکت سپرده‌اند که در نگارش تاریخ و اخبار به حقیقت پردازند و تمام پیرایه‌های معموله را دور اندازند و این یکی از مفاخر سلطنت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

امروزه است و ما بر طبق مکنونات ضمیر معدلت تخمیر ملوکانه فقط به صحت خبر پرداخته و مخصوصاً در این کتاب که برای درس مدارس و مکاتب تألیف شده حشو و زاید را انداخته از بسیاری القاب و ترسیم رسوم و آداب اسباب تعطیل و اغتشاش حواس طالبان دانش و تحصیل نمی‌شویم و امیدواریم با اجازهٔ اعلیحضرت همایون که ملک دو دولتش روزافزون باد دیگران هم نگارنده را معاف دارند و بدانند پایه و مقام منیع سلطنت و منسوبان و خدام دولت بالاتر و والاتر از آن است که به تکرار بعضی الفاظ و توضیح واضح رونق و جلوهٔ تازه حاصل کند» (فروغی، ۱۳۱۸ق: ۳۴۳/۱).

نتیجه‌گیری

بی‌تردید مدرسهٔ علوم سیاسی یکی از تأسیسات مدرن تمدنی در ایران به شمار می‌رود. تأسیس این مدرسه پاسخی به یک نیاز واقعی و شکل‌گیری آن حاصل مجموعه‌ای از تنش‌ها و درگیری‌های فکری و اداری بود. تأسیس این مدرسه، هدف کاربردی مشخصی داشت که همانا تأمین نیروی مطلع و کارآمد برای دستگاه سیاسی خارجی ایران بود. این امر محصلان را از مباحث نظری صرف برحذر داشت، اما از سویی چون جهت‌گیری آموزشی مدرسه بر تأمین کادر سیاسی وزارتخانه تأکید داشت و معطوف به آموزش دروسی چون دیپلماسی نوین، حقوق بین‌الملل، تاریخ اروپا و حقوق اساسی بود، کتاب‌های تاریخ این مدرسه را می‌توان سرآمد کتب تألیفی و ترجمه‌ای در مدارس جدید دانست که در زمان خود باعث الهام‌پذیری برای تدریس و تألیف کتب بیشتر تاریخی شد و بسیار در بینش و روش تاریخ‌نگاری ایران تأثیرگذار بوده است.

کتاب‌های درسی تاریخ، از آن رو بخشی از هویت ملی ایران است که کوشش نسلی را نشان می‌دهد که همهٔ توانش را به کار گرفت تا در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخی، هویت فرهنگی و تاریخی متعادلی را برای نونهالان و آینده‌سازان این سرزمین تبیین و بازآفرینی کند. با وجود این، همچنان جای بررسی همه‌جانبه‌ای دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری کتاب‌های درسی تاریخ در این نهاد آموزشی خالی است و اثری دربارهٔ روند آموزش تاریخ در این مدرسه در نظام تعلیم و تربیت ایران منتشر نشده

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

است. تحلیل محتوایی و بررسی کتاب‌های تألیفی محمدعلی فروغی، به‌ویژه کتاب *دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم (تاریخ ایران)* که الگوی ابتدایی برای مؤلفان کتب درسی تاریخ بود، بخشی از ظرفیت‌های آموزشی تاریخ را در مدارس روشن ساخت. در این میان، میرزا محمدعلی فروغی از شناخته‌شده‌ترین مورخان ایران در سدهٔ چهاردهم قمری است، اما آنچنان‌که به سیاست‌ورزی او پرداخته شده، به تاریخ‌نگاری او توجه نشده است. تاریخ‌نگاری محمدعلی فروغی کوشش نسبتاً موفقی برای دور شدن از سبک تاریخ‌نگاری سنتی ایرانیان و روی آوردن به تاریخ‌نگاری جدید است.

این مرکز آموزشی در تاریخ معاصر ایران نقشی بی‌بدیل داشته است. کتاب‌های تألیفی و تدریس‌شده در این نهاد آموزشی، در زمان خود بسیار پیشگام بوده و نقشی اساسی در تربیت ۲۳ دوره شاگردان آن ایفا کرده است. البته نمی‌توان از ضعف‌های آموزشی و ساختاری آن چشم پوشید، اما باید به این امر اذعان کرد که این نهاد آموزشی به همراه دیگر مدارس، همچون دارالفنون و غیره نخستین گام‌ها را برای تأسیس نهاد دانشگاه در ایران و توسعهٔ علم در دوران قاجاریه و پهلوی اول برداشتند و الگویی موفق برای آموزش عالی در ایران بودند.

منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: اختران.
- ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۲)، *علم سیاست در ایران*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افشاری، معصومه (تابستان ۱۳۸۲)، «شرایط استخدام در وزارت خارجهٔ ایران»، *مجلهٔ تاریخ روابط خارجی*، ش۱۴، صص۲۵-۳۶.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۳۳)، *تاریخ ایران و عمومی (برای سال سوم دبیرستان‌ها)*، تهران: علمی.
- امین، حسن (زمستان ۱۳۷۸)، «یکصدمین سالگشت تأسیس مدرسهٔ علوم سیاسی در ایران»، *مجلهٔ اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، ش۱۴۹، صص۹۱ -۹۵.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۹۷)، *سیرت فروغی*، تهران: ماهریس.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۳)، *ریشه‌های تجدد*، تهران: قطره.
- تفرشی، مجید (۱۳۷۰)، «بهار مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران»، *گنجینهٔ اسناد*، ش۱، صص۵۳-۸۱.
- تکمیل همایون، ناصر (بهار ۱۳۸۳)، «مدارس عالیهٔ سیاسی»، *مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی*، ش۶۳، صص۳۹-۵۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

- حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، *محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی*، تهران: کویر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، *حیات یحیی*، ج۱، ۲، تهران: عطار.
- رحمانیان، داریوش (پاییز ۱۳۹۰)، «در پی خودآگاهی تاریخی ایرانیان»، *مجلهٔ مهرنامه*، ش۱۸، ص۱۵.
- رینگر، مونیکا (۱۳۸۱)، *آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، ترجمهٔ مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.
- زندفرد، فریدون (۱۳۹۷)، *محمدعلی فروغی در صحنهٔ دیپلماسی بین‌المللی*، تهران: کتابسرا.
- سعیدی، حوریه (زمستان ۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر تحول تدوین کتاب‌های تاریخ در مدارس از تأسیس دارالفنون»، *مجلهٔ تاریخ معاصر*، ش۱۳ و ۱۴، صص۲۵-۶۲.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، *یک زندگی سیاسی*، تهران: ثالث.
- سینوبس، شارل (۱۳۱۷ق)، *تاریخ ملل قدیمه مشرق*، ترجمهٔ محمدعلی فروغی، (چاپ سنگی).
- شریفی، علی‌اصغر (پاییز ۱۳۵۷)، «فرمان تأسیس مدرسهٔ علوم سیاسی»، *مهنامهٔ قضایی*، ش۱۵۱، صص۱۴-۲۴.
- صفت‌گل، منصور (پاییز ۱۳۷۸)، «تاریخ‌نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجار»، *دانشگاه انقلاب*، ش۱۱۲، صص۱۵۳-۱۹۶.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۲)، *یادگار عمر*، تهران: دهخدا.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۷)، «مدرسهٔ علوم سیاسی، مدرسهٔ عالی حقوق- دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی»، *مجلهٔ تاریخ معاصر ایران*، ش۷، صص۳۴۷-۳۵۸.
- عسکرانی، محمدرضا (بهار ۱۳۸۹)، «هویت ایرانی در کتاب‌های درسی تاریخ»، *مجلهٔ پژوهش‌های تاریخی*، ش۱، صص۶۷-۸۶.
- علوی، سید ابوالحسن (۱۳۸۵)، *رجال عصر مشروطیت*، تصحیح حبیب یغمایی و ایرج افشار، تهران: اساطیر، چ۲.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۱)، *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران*، تهران: انتشارت رسا.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۳۷ق [الف]) *تاریخ قرون‌وسطی*، نسخهٔ خطی، محل نگهداری کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران شمارهٔ ۸۵-د.
- ..... (۱۳۳۷ق [ب]) *تاریخ جدید*، نسخهٔ خطی، محل نگهداری کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران شمارهٔ ۸۴-د.
- ..... (۱۳۳۷ق [ج]) *تاریخ معاصر*، نسخهٔ خطی، محل نگهداری کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران شمارهٔ ۸۳-د.
- ..... (۱۳۹۹)، *تاریخ مختصر دولت روم قدیم*، به کوشش هاشم بناپور، تهران: مدید.
- ..... (۱۳۲۵)، *حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول*، تهران: [بی‌نا].

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

- ..... (۱۳۱۸ق) *دورهٔ ابتدایی از تاریخ عالم (تاریخ ایران)*، ج۱، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- ..... (۱۳۹۰)، *یادداشت‌های روزانه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علم.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران: پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام.
- کریمیان، علی (پاییز ۱۳۷۷)، «مدارس جدید ایرانی از ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۸»، *نامهٔ پارسی*، ش۳، صص۹۲-۱۰۷.
- کیان‌فر، جمشید (بهار ۱۳۸۴)، «نهضت ترجمه و دارالفنون»، *فصلنامهٔ پیک نور*، ش۹، صص۸۳-۹۲.
- ..... (تابستان ۱۳۹۱)، «تا نگرید طفل کی نوشد لبن»، *فصلنامهٔ فرهنگ مردم*، ش۴۳، صص۲۷-۵۴.
- متین، افشین (۱۳۹۹)، *تاریخ روشنفکری مدرنیتهٔ غربی*، ترجمهٔ حسن فشارکی، تهران: مدید.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۱)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج۱، تهران: دانشگاه تهران.
- محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۳۹)، «نخستین وزیر امور خارجه ایران»، *مجلهٔ وزارت امور خارجه*، ش۸، صص۲۵-۳۶.
- مرادی خلج، محمدمهدی (۱۳۸۹)، *مشروعه‌خواهان مشروطیت*، شیراز: کوشا مهر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه*، ج۲، ۳، تهران: کتاب‌فروشی زوار.
- موسوی، سید بهرام (۱۳۹۸)، *کارنامهٔ سیاسی فرهنگی محمدعلی فروغی*، تهران: عرفان.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین‌خان (۱۳۸۶)، *مرآت الوقایع مظفری*، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج۱، تهران: میراث مکتوب.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدبن علی (۱۳۸۴)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیرکبیر.
- واردی، احمد (۱۳۹۴)، *زندگی و زمانهٔ محمدعلی فروغی*، تهران: نامک.
- وثوقی، محمدباقر، منصور صفت‌گل و غلامحسین زرگری‌نژاد (۱۳۹۷)، *تاریخ دانشگاه تهران*، ج۱، تهران: دانشگاه تهران.

اسناد و نشریات

- سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران (ساکما)، شمارهٔ شناسه ۲۹۷/۳۸۷۱۸.
- .....، شمارهٔ شناسه ۲۹۷/۰۳۰۱۶۴.
- *روزنامهٔ تربیت* (پنج‌شنبه نهم جمادی‌الثانیه ۱۳۱۸ق)، سال چهارم، نمرهٔ ۲۰۵، ص۸.
- ..... (پنج‌شنبه یازدهم صفر ۱۳۱۹ق)، سال پنجم، نمرهٔ ۲۲۸، ص۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

منابع لاتین

- Menashri, david (1992), *Education And The Making Of Modern*, London: cornell university.
- Vejdani, Farzin (2015), *Making History in Iran*, StanfordCA: Stanford University press.

List of sources with English handwriting

- Aagheli, Bagher (1998), *Madreseh-ye oloum siyasi*, madreseh-ye aali-e hoghough-Daneshkadeye Hoghogh va oloum siyasi, Tarikh-e Moaser-e Iran Journal, 7: 347-358 (In Persian).
- Adamiyat, fereydoun (1969), *Amirkabir va Iran*, Akhtaran Press (In Persian).
- Afshari, Masoumeh (2003), Sharayet-e estekhdam dar vezarat-e kharejeh-ye Iran, *Tarikh-e Ravabet-e Iran Journal*, 14: 26-36 (In Persian).
- Alavi, Seyyed Abolhassan (2006), *Rejal-e asr-e mashroutiyyat*, Edited by Habbib Yaghmaei & Iraj Afshar, Asatir Press (In Persian).
- Amin, Hassan (1998), Yeksadomin salgasht-e ta'sis-e madreseh-ye oloum siyasi dar Iran, *Etelaat-e Siyasi-Eghtesadi Journal*, 149: 91-95 (In Persian).
- Askarani, Mohammad-Reza (2010), Hoviyyat-e Irani dar ketab-ha-ye darsi-ye tarikh, *Pazhouhesh-ha-ye tarikhi Journal*, 1: 67-86 (In Persian).
- Azghandi, Alireza (2003), *Elm-e siyasat dar Iran*, Markaz-e Bazshenasi-e Eslam va Iran (In Persian).
- Dowlatabadi, Yahya (1982), *Hayat-e Yahya*, Vol. 1 & 2, Attar Press (In Persian).
- Eghbal, Abbas (1954), *Tarikh-e Iran va omoumi (baray-e sal-e sevom-e dabirestan-ha)*, Elmi Press (In Persin).
- Ferasatkhah, Maghsoud (2002), *Sargozasht va savaneh-e daneshgah dar Iran*, Rasa Press (In Persian).
- Foroughi, Mohammad-Ali (1919 a), Tarikh-e ghoroun-e vosta, Manuscript (In Persian).
- ---------- (1919 b), *Tarikh-e jadid*, Manuscript (In Persian).
- ---------- (1919 c), *Tarikh-e moaser*, Manuscript (In Persian).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

- ---------- (2020), *Tarikh-e mokhtasar*-e *dowlat*-e *Rome-e ghadim*, collected by Hashem Banapour, Madid Press (In Persian).
- ---------- (1946), Hoghough-e asasi ya ٰni Aadaab-e mashroutiyyat-e dowal, n.p (In Persian).
- ---------- (1939), *Doreh-ye ebtedaei az tarikh-e elm* (tarikh-e Iran), n.p (In Persian).
- ---------- (2011), *Yaddasht-ha-ye roozaneh*, collected by Iraj Afshar, Elm Press (In Persian).
- Ghadimi gheydari, Abbas (2014), *Tadavom va tahavvol-e tarikhnevisi dar Iran-e asre Qajar*, Pazhooheshkadeh-ye Tarikh-e Eslam Press (In Persian).
- Haghdar, Ali-Asghar (2005), *Mohammad Ali Foroughi va sakhtarhaye novin-e madani*, Kavir Press (In Persian).
- Karimiyan, Ali (1998), Madares-e jadid-e Irani az 1286 ta 1308, *Nameh-ye Parsi Journal*, 3: 92-107 (In Persian).
- Kiyanfar, Jamshid (2005), Nehzat-e tarjomeh va dar al-fonoun, *peyk-e noor Journal*, 9: 83-92 (In Persian).
- ---------- (2012), Ta nagirad tefl-e key Nooshad laban, *farhang-e mardom Journal*, 43: 27-54 (In Persian).
- Mahboubi Ardakani, Hossein (1992), *Tarikh-e moassesat-e tamaddoni-e jadid dar Iran*, Vol. 1, University of Tehran Press (In Persian).
- Malek al-movarrekhin, Abd al-hossein khan (2007), *Meraat al-vaghaye-e mozaffari*, Edited by Abd al-hossein Navaei, Vol. 1, Miras-e Maktoub Press (In Persian).
- Matin, Afshin (2020), *Tarikh-e roshanfekri-e moderniteh-ye gharbi*, translated by Hassan Fesharaki, Madid Press (In Persian).
- Mohit Tabatabaei, Seyyed Mohammad (1960), nakhostin vazir-e omour-e Kharejeh-ye Iran, *Vezarat-e omour-e kharejeh Journal*, 8: pp. 25-36.
- Moradi Khalaj, Mohammad-Mahdi (2010), *Mashroueh-khahan-e mashroutiyat*, Koosha Press (In Persian).
- Mostoufi, Abd-allah (2005), *Sharh-e zendegani-e man ya tarikh-e ejtemaei va edari-ye doreh-ye Qajariyeh*, Vol. 2 & 3, Zavvar Press (In Persian).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

- Mousavi, Seyyed Bahram (2019), *Karnameh-ye siyasi farhangi-e Mohammad-Ali Foroughi*, Erfan Press (In Persian).
- Nazem al-Eslam Kermani, Mohammad (2005), *Tarikh-e Bidari-e Iranian*, Amirkabir Press (In Persian).
- Pahlavan, changiz (2004), *Risheh-ha-ye tajaddod*, Ghatreh Press (In Persian).
- Parvin, Naser al-din (2018), *Sirat-e Foroughi*, Mahris Press (In Persian).
- Rahmaniyan, Darioush (2011), Dar pey-e KhodAgahi-e Tarikhi-e Iranian, *Mehrnameh Journal*, 18: 15 (In Persian).
- Ringer, Monica (2002), *Education, Religion, and the Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran*, Translated by Mahdi Haghighatkhah, Qoqnoos Press (In Persian).
- *Rooznameh-ye Tarbiyat*, 4 (205): 8 (In Persian).
- *Rooznameh-ye Tarbiyat*, 4 (228): 2 (In Persian).
- Saeidi, Houriyeh (2000), Moghadameh-ei bar tahavvol-e tadvin-e ketab-ha-ye tarikh dar madares az ta'sis-e dar al-fonoun, *Tarikh-e Moaser Journal*, 13 & 14: pp. 25-62 (In Persian).
- Seddigh, Isa (1973), *Yadegar-e omr*, Dehkhoda Press (In Persian).
- Sefat Gol, Mansour (1999), Tarikhnevisi-e darsi dar Iran az dar al-fonoun ta bar oftadan-e farmanravaei-ye Qajar, *Daneshgah-e Enghelab Journal*, 112: 153-196 (In Persian).
- Seignobos, Charles (1899), *Tarikh-e melal-e ghadimeh-ye mashreq*, translated by Mohammad-Ali Foroughi, n.p, n.d (In Persian).
- Siyasi, Ali-Akbar (2014), *Yek zendegi-e siyasi*, Sales Press (In Persian).
- Sharifi, Ali-Asghar (1978), Farman-e ta'sis-e madreseh-ye oloum siyasi, *Mahnameh-ye ghazaei*, 151: pp. 14-24 (In Persian).
- Tafreshi, Majid (1998), Madares-e aali-e hoghough va oloum siyasi dar Iran az ebteda ta'sis-e daneshgah-e Tehran, Ganjineye Asnad Journal, 1: pp. 53-81 (In Persian).
- Takmil Homayoun, Nasser (2004), Madares-e aaliyeh-ye siyasi, *daneshkadeh-ye hoghough va oloum siyasi Journal*, 63: pp. 39-57 (In Persian).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]

- Varedi, Ahmad (2015), *Zendegi va zamaneh-ye Mohammad-Ali Foroughi*, Namak Press (In Persian).
- Vosoughi, Bagher and Sefat Gol, Mansour (2018), *Tarikh-e daneshgah-e Tehran*, University of Tehran Press (In Persian).
- zandfard, Fereydoun (2018), *Mohammad-Ali Foroughi dar sahneh-ye diplomasi-e beyn al-melali*, Ketabsara Press (In Persian).
- Menashri, david (1992), *Education And The Making Of Modern*, London: cornell university.
- Vejdani, Farzin (2015*), Making History in Iran*, Stanford CA: Stanford University press.
- *National Library and Archives of I.R. Iran*, No. 297/38718 (In Persian).
- *National Library and Archives of I.R. Iran*, No. 297/030164 (In Persian).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.2.9]